

کوارتت

Quartet



مترجم: همایون نورا حمر

رپرتواری از هزاران کمپوزسیون به دست می‌دهند. اگر چه برای سازهای زهی از قرن ۱۶ و ۱۷ تصنیف شدند، تاریخ کوارتت زهی با آثاری از هایدن در ۱۷۵۰ آغاز گشت.

این قطعات هنوز به طور وسیعی به سبک یک دیور تیمنتو (واسطه آزاد) (قطعه سازی که از نیمه دوم قرن ۱۸ به کار برده شد که حالت و صورت یک سوییت یا یک سمفونی را جفت و جور می‌کنند و در حقیقت رابطی است میان بخشهای گوناگون و اجزاء یک قطعه بزرگ. دیور تیمنتو هم برای سازهای زهی و هم برای سازهای زهی و یا برای هر دو توأمان. دیور تیمنتو غالباً برای سازهای زهی وجود دارد و هم برای سازهای بادی).

در ۱۷۶۰ هایدن چهار موومان در کوارتت بگنجانند و سبک کوارتت سازهای کلاسیک سازهای زهی کوارتت را با سازهای زهی کلاسیک با آپوس تمایز کند.

در میان بهترین انواع آنها می‌توان از کوارتت امپراتور در دو کوارتت تیغ (Rezor) شش کوارتت آفتاب کوارتت، کوارتت سواره نظام در دو مینور، کوارتت شکار (در سی بمل ماژور، کوارتت چکاوک نام برد.

موتسارت بیش از ۱۲ کوارتت تصنیف کرد که برخی از آنها عنوان شکار، سه کوارتت پروسی، کوارتت در دو ماژور و شش کوارتت هایدن را به خود گرفتند.

بوچرینی ایتالیایی آهنگسازی بود که بیشترین کوارتتها را (در حدود ۱۰۰ کوارتت) تصنیف کرد که با کوارتتهای هایدن و موتسارت بیشترین آنها در کیفیت حد وسط را داشتند. بتهوون ۱۶ کوارتت تصنیف کرد که از لحاظ فرم و کیفیت یکتا و منحصر به فرد بودند. به ویژه کوارتتهایی که در دو سال اواخر عمرش نوشت. (۱۸۲۷-۱۸۲۵) که فرمی ورای سونات کلاسیک (با چهار ساز) داشتند.

در میان این کوارتتها، کوارتت فوگ بزرگ آپوس ۱۳۳ که در واقع موومان فینال یک کوارتت اولیه به شمار می‌آید، اما به خاطر پیچیدگی از دیگر کوارتتهایش متمایز می‌گشت. در این کوارتت بتهوون از آوردن جشنها در آن خودداری

کوارتت فرمی از موسیقی مجلسی به شمار می‌آید. ۱- کمپوزسیون یا ساختاری موزیکال برای چهار ساز یا پنج آواز، زیرا هر خواننده یا ساز بخشی جداگانه دارند.

۲- کوارتت ادوات سازی کوارتتی است برای سازها. ترکیبات متعددی در کوارتت وجود دارند که آشنا ترین آنها کوارتت سازهای زهی است که چهار ساز زهی را در بر می‌گیرد. نخستین و دومین ساز، ویولن، ویولا، پیانو و ویولنسل و کوارتت سازهای بادی که بستگی به نوع سازهای بادی پیدا می‌کند.

در کوارتت سازهای زهی، پیوسته تقریباً از ویولن، ویولا و ویولنسل نقش دارند. کوارتت سازهای بادی (غالباً فلوت، اوبوا، کلارینت و باسون) و کوارتت سازهای برنجین (یا دو ترومپت، بوق، ترومبون و یا ترکیباتی دیگر) و کوارتت ترکیبی (سازهای برنجین و بادی چون فلوت، کلارینت، بوق کلارینت، بوق و باسون)

کوارتت پیانو از زمان موتسارت (توسط موتسارت که آهنگسازان کمتر به آنها توجه داشتند) رواج یافت.

۳- کوارتت آوازی (وکال) کمپوزسیون برای چهار خواننده که هر کدام اجرای بخش جداگانه‌ای از سوی موسیقی را بر عهده می‌گیرد. مهم‌ترین این نوع کوارتت، کوارتتی است برای خواننده سوپرانو، آلتو، تنور و باس ساخته شد.

با این همه کوارتتی نیز برای نخستین و دومین سوپرانو با نخستین و دومین آلتو و کوارتتی برای نخستین و دومین تنور با باریتون و باس ساخته شد.

کوارتت آوازی احتمالاً ابتدایی‌ترین شکل چهار بخشی موسیقی که قدرت آن به سال ۱۴۰۰ باز می‌گردد.

۴- کوارتت آنسامبل برای چهار ساز و یا چهار آواز. کوارتت سازهای زهی یا کمپوزسیون برای چهار ساز زهی که در آن هر ساز بخش خود را اجرا می‌کند.

کوارتت سازهای زهی سنتی، بخشهایی را برای اجرای ویولن اول، ویولون دوم، ویولا و ویولنسل معین می‌کند. که از رایج‌ترین شکل موسیقی به شمار می‌آید، که

کرد. فقط یک اورتور و فوگ در آنها گنجانید.

در اواخر قرن ۱۹ کوارتت سازهای زهی تاریخی متغیر داشت. شوپرت چند کوارتت تصنیف کرد که ۱۴ کوارتت زیبا تصنیف کورت کوارتت ارگ و دوشیزه معروف است. شومان و مندلسون، کروبینی، سزار فرانک، اسمتاناو دورژاک همگی به تصنیف کوارتت همت گذاشتند. اما سه کوارتت برامس که ساخته رفیع پیشین را به خود گرفت.

دوبوسی و راول هر کدام یک کوارتت تصنیف کردند.

آهنگسازان قرن بیستم با شوق و حرارت بیشتر به تصنیف کوارتت پرداختند. شاید بتوان گفت که در نیمه اول قرن بیستم شش کوارتت از بارتوک که بین سالهای ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۹ بارتوک تصنیف کرد که شهرت بیشتری پیدا کردند.

شونبرگ، برگ، و برن همگی به نوشتن کوارتتهای سازی زهی تمایل داشتند. آهنگسازان نوکلاسیک فرم استراوینسکی را در نوشتن کوارتت برگزیدند.

گلارونف، چارلز آیوز، سیلیوس، ادگار یا ناجک، شوست کویچ، الیوت، و کارتر مندریسکی نیز دست به نوشتن کوارتت پرداختند.

کوارتت پل هندمیتس آلمانی Paul Hindemith

این کوارتت برای سازهای زهی به خاطر کوتاهی و فشردگی و ایجاز و اختصار مورد توجه قرار گرفته است. موسیقی هندمیت به گونه آتونال و غالباً با ریتمهای بی‌قاعده تصنیف شده است. موسیقی او اوپوس ۲۲ (۱۹۲۲) چهار موومان دارد که نخستین موومان آن با یک فوگا آتونال (به فرم فوگ) به موومان دوم که یک اسکوتسوی برجسته و عصبی و تند سر می‌کشد. در موومان سوم اشارتی از آرامش و ملایمت ملموس است. موومان چهارم یک موومان فانتزی وار می‌بایم که نمونه‌هایی از کنترپوان هوشمندانه هندمیت را دربرمی‌گیرد، فینال این کوارتت یک روند و Ronde (تکرار متناوب تم اصلی) است.

کوارتت گابریل فوره G. faure آهنگساز فرانسوی

کوارتت گابریل فوره اوپوس ۱۲۱ در ر ماژور. این کوارتت یکی از درباره کوارتت فوره گریس هاروی موسیقی‌شناس می‌نویسد: «شاید هیچ اثری چون این کوارتت در آغاز که حالتی ژرف و فکورانه و پولیفونی زیبا و بخش فوگال آرام دارد، ما را به یاد کوارتتهای بعدی بتهوون می‌اندازد. اسکوتسوی آن شاد و نشاط‌آور است و به رغم زیبایی تم اصلی لارگه توی آن اندکی آفت پیدا می‌کند و مکتهای زیادی ارائه می‌دارد. فینال این کوارتت با جلوه و خودنمایی و جلوه‌ای به روش بتهوون در سنفنی نهم او آغاز می‌شود.

این کوارتت در کل اثری هوشمندانه است که شاید نوای آن از دیگر انواع آن زیباتر به نظر می‌آید.

کوارتت بورودین A. Borodine آهنگساز روسی

بورودین که خودش را وقف تصنیف موسیقی مجلسی کرده بود، آثار سمبولیک و در اپرا شهرت دارد، شفافیتی که به چهار ساز زهی و سبک لیریک و زیبایی خود در کوارتت ر ماژور ملودی گسترش یافته‌ای عرضه کرد.

این کوارتت چهار موومان دارد: ۱- الگرومودراتو ۲- اسکرستو (که در خود نشانه‌ای از تم رقصهای پولونز دارد). ۳- نوکتون نوتورنو (آهنگ شب با فرمی آزاد و حالتی عاشقانه و خیال‌انگیز برای پیانو) که احتمالاً اوج کوارتت به حساب می‌آید. ۴- آندانته ویواس (زنده و جاندار است).

کوارتت روی هریس Roy Harris آهنگساز آمریکایی

هریس این کوارتت را در ۱۹۳۸ تصنیف کرد که به معنای که تا اندازه‌ای چهار پرلود و فوگه‌هایی را دربرمی‌گیرد.

این کوارتت همانند بسیاری از آثار هریس سننزی از گذشته و حال است. فرم پرلودها و فوگها گذشته را القا می‌کند و پرلودها به خاطر زیرکی هریس که از تمهیدات کنترپوان سود می‌جوید قابل ملاحظه‌اند. فوگها طرح‌هایی به گونه طرح‌های باخ دارند که از لحاظ رشد و نمو تماتیک تندند. خود تمها در گامها مودال‌اند و حال و هوایی تقریباً ابتدایی دارند با این همه، کوارتت هریس اثری از موسیقی ابتدایی و یا قرون وسطایی بر جای نمی‌گذارد. اگر چه کالبد آن به گذشته تعلق دارد، نوای آن ورای زمان حال است و شنونده از این تناقض آگاه نمی‌شود.

کوارتت کلود دبوسی Claude Debussy آهنگساز فرانسوی

نخستین کمپوزسیونهای دبوسی که او را به عنوان نابغه‌ای شناساند، کوارتت ساز زهی او کوارتت در سل مینور اوپوس ۱۰ بود که در ۱۸۹۳ آن را تصنیف کرد.

در یک پاساژ درخشان پل دوکا آهنگساز فرانسوی درباره آن نوشت: «کوارتت دبوسی شیوه درخشانش نشاط‌آور است. همه چیز در این اثر واضح و به دقت به تصویر درآمده است، اما به فرمی فوق‌العاده و آزاد، جوهر ملودیک آن فشرده است. اما از کیفیتی غنی برخوردار است. بافتهای هارمونیک آن با کیفیتی عمیق و شاعرانه اشباع می‌شود. اگر چه جسورانه است، اما هرگز به خشونت نمی‌گراید.

دبوسی از آکوردهای غنی پی در پی این اثر احساس شادمانی می‌کند. اکوردهایی که ناموزون می‌نماید: خام و ناپخته نیست و در عین پیچیدگی بسیار هماهنگ به گوش شنونده می‌رسند و همانند یک قالی عجیب و گلگون رنگی ناجور ندارند. این کوارتت چهار موومان دارد: نخستین

موومان آن (جاندار و بسیار قاطع) است، نیرومند و موكد ارائه می‌شود و با تم دومی دلپذیر که با آن مغایر است حضور پیدا می‌کند.

موومان دوم (بسیار سرزنده، بانشاط، پرشور و کاملاً ریتمیک) با ضربی تندتر و یولا ارائه می‌شود.

دبوسی در آندانتینو بیان مالیخولیایی و آرامی را با خاموشی سازهای زهی عرضه می‌دارد، و با آنکه موومان چهارم (بسیار معتدل) است، زورمند می‌نماید.

کوارتت مورس راول M.Ravel آهنگساز فرانسوی

کوارتت درنا چهار موومان دارد که همگی از ملودیهایی زیبا و ویژه‌ای برخوردارند.

سه موومان اول این کوارتت با لطافت و ظرافت عرضه می‌شوند و در بخش آخر آنها پاساژی بزرگ، زورمند و هیجان‌آور گنجانده شده است.

گابریل فوره که این کوارتت به او اهدا شده است، بر این اعتقاد است که تمامی اثر کاملاً عاری از عوامل بالقوه چنین اثری است، و موومان آخر بسیار مختصر و گسیخته است.

کوارتت سرگنی پروکوفیف s.prokofiev آهنگساز روسی

پروکوفیف دو کوارتت برای سازهای زهی تصنیف کرد. نخستین کوارتت اوپوس ۵۰ (۱۹۳۰) حالتی تفکرآمیز و آرامشی متداوم دارد.

پروکوفیف کوارتت دوم در فا ماژور اوپوس ۹۲ را دوازده سال بعد تصنیف کرد که ایده‌های ملودیک آن را با الهام از موسیقی فولکلوریک کاباردینو - بالکارا در شرق قفقاز که در ۱۹۴۲ به این دیار سفر کرده بود، نوشته است.

ملودیهایی فولکلوریک قفقاز در آهنگی ساده عرضه می‌شوند. در موومان دوم آوازی عاشقانه همراه می‌شود و با رقص فولکلوریک ریتمیک پایان می‌گیرد.

کوارتت پیر تر ابلج چایکوفسکی p.i.tehaikovsky آهنگساز روس

معلوم نیست اگر این کوارتت اولیه چایکوفسکی به خاطر موومان معروف دوم آن آندانتیو کانت بیل (بخش آهسته) نبود، تأثیری از خود باقی می‌گذاشت یا نه.

موسیقی این اثر انتزاعی است، بی‌آنکه نشانه‌هایی از پختگی و شایستگی چایکوفسکی در آن وجود داشته باشد. اما موومان دوم آن از یک ملودی تألم‌آور برخوردار است که نمی‌توان آن را به فراموشی سپرد و فقط به خاطر همین موومان است که این کوارتت برای اجرا شایستگی پیدا می‌کند. بسیار بدیهی است که تم این موومان در اصل از چایکوفسکی نیست. بدین معنا که او به یک افزاینده

یا صنعتگر برمی‌خورد که ضمن کار سوت می‌زده است و آن قدر تحت آن قرار می‌گیرد که بی‌درنگ نوای این سوت را روی کاغذ می‌آورد و بر آن می‌شود تا این نوا را اساس موومان آرام کوارتت خود قرار دهد.

سایر موومانهای این کوارتت عبارتند از:

مودراتو اسمپلیس (ساده و بی‌پیرایه) است که با شادمانی را با حس ترحم نسبت به خود به گونه اسکر تسویبی نیرومند سنکوپ‌گونه یا کوتوتاه و یک فینال کاملاً روسی در حالت اتمسفری بدین گونه درمی‌آمیزد.

می‌گویند وقتی تولستوی موومان دوم یا بخش آهسته این کوارتت را شنید اشک از چشمانش سرازیر شد.

کوارتت فلیکسی مندلسون f.mendelsson آهنگساز آلمانی

مندلسون این کوارتت در سی بمل ماژور را وقتی که فقط بیست سال داشت، تصنیف کرده تا اندازه‌ای یک آداجیوی زهی به نمونه کوارتت هارپ بتوون آغاز می‌شود و پس از هفت میزان الگرو نون تاردانته سربرمی‌کشد که دو تم عالی از خود بروز می‌دهد: تم اول گویا و پرمعنا و با لحنی پرشور و پُرتب و تاب و تم دوم ظریفانه و صلح‌آمیز عرضه می‌شوند.

موومان دوم کارونتا یکی از مشهورترین ملودی سرزنده و شوخ موسیقی مجلسی مندلسون است که جذابیت آن با ستاکاتی (نُتهای ناپیوسته و مقطع) و پیزیکاتی و زخمه انگشت بر سیم سازهای زهی بدون دخالت انگشت متمایز می‌گردد.

موومان سوم آندانتیو اسپرسو (بلیغ و رسا) کاملاً لیریک و تغزلی است. (چون آغاز کوارتت) با نُتهای هارمونیک اورتون مذهبی عرضه می‌شود. در واقع تعالی موومان تواضعانه است که در لحظاتی چند عمیقاً تأثیرانگیز می‌شود.

بعد فینال این کوارتت مولتو آلگرو و ویواس فرا می‌رسد تا آرامش و وقار کوارتت را شادمانه آزاد کند.

کوارتت شوستاکوویچ d.shostakovich آهنگساز روس

شوستاکوویچ نخستین کوارتت سازهای زهی خود را در ۱۹۳۶ تصنیف کرد. هفت سال بعد کوارتت دوم خود اوپوس ۶۹ را نوشت و در ۹ نوامبر سال ۱۹۴۴ در اتحاد جماهیر شوروی به اجرا درآورد.

این کوارتت یکی از زیباترین آثار مجلسی این آهنگساز به شمار آمده است. چهار موومان این کوارتت اورتور رسیئاتیف گفت‌وگویی با آواز رومانس و والس و وارسیونهای را دربرمی‌گیرد.

موومان اول کیفیتی عجیب و غریب و مرموز دارد که آهنگساز قصد داشته است از کادنسها انتهای یک قطعه موسیقی آرامش‌دهنده فرعی یا Plagal استفاده کند.

رسیئات، رومانس قطعاتی درون‌گرا به شمار می‌آیند. والس

این کوارتت به سبک چاکوفسکی است که دستخوش یک رشته از واریاسیونهای اصیل ساده و بی‌آرایش می‌گردد.

کوارتت دورژاک آهنگساز روس A. Dvorák

وقتی دورژاک از امریکا دیداری به عمل آورد نه تنها در تصنیف سنتفنی «دنیای جدید» خود از این سرزمین الهام گرفت، بلکه در نوشتن موسیقی مجلسی از جمله شوری از خود نشان داد.

وقتی دورژاک در اسپرولیل امریکا بود سه سرخ‌پوست به ملاقات او آمدند و موسیقی معروف خود را برای او اجرا کردند.

دورژاک که تمایل به موسیقی فولکلوریک داشت، مجذوب ملودیهای عجیب و مرموز و ریتم زورمند موسیقی آنها شد و تصمیم گرفت این سبک و شیوه را در موسیقی خود در کار گیرد.

دورژاک در موومان اول کوارتت که آغاز درون‌مایه موسیقی سرخ‌پوستی را به نمایش گذاشت و روح آزاد غرب بزرگ را نمایان کرد.

موومان دوم با تمی که خصیصه‌ای سرخ‌پوستی داشت آغاز شد.

کوارتت اسمتانا B. Smetana آهنگساز چک

اسمتانا این کوارتت کوارتت در می‌مینور یا (از زندگی من) را در ۱۸۷۶ یعنی دو سال پس از آنکه از کری‌رو به افزایش خود آگاه شد، تصنیف کرد.

این فاجعه‌حالی از نفوذ یک (واپس‌نگری، بازنگری) را در او پدید آورد که کاملاً اتوبیوگرافی را به آدمی تلقین می‌کرد.

آهنگساز خود می‌گوید: «این کوارتت به عبارتی کیفیتی شخصی دارد که مرا عمیقاً آزار می‌دهد.»

این کوارتت چهار موومان دارد: در موومان اول به‌رغم عشق اولیه من به هنر و موسیقی بومی فولکلوریک تمایلات رومانیتیک و آرزوهای ارضا نشده‌ام و در عین حال بدبختی آینده‌ام را باز می‌گوید. (این بدبختی دال بر انقلاب ۱۸۴۸ است که اسمتانا ناگزیر به سوئد می‌گریزد.)

موومان دوم نوای یک رقص پولکا است که آهنگساز می‌گوید: «این رقص مرا به یاد ایام جوانی که موسیقی رقص تصنیف می‌کردم می‌افکند.»

موومان سوم، یک بخش زیبا و آرام است که اسمتانا درباره آن می‌گوید: «این بخش مرا به یاد نخستین عشقم به دختری که بعداً برایم همسری وفادار شد، می‌اندازد.»

و درباره فینال این کوارتت می‌گوید: «شادمانی من در کشف این واقعیت است که چگونه عناصر ملی بوهمی را در

موسیقی بیان کنم که تا آغاز کری من ادامه پیدا کرد.»

کوارتت سیبلیوس Sibelius آهنگساز فنلاندی

سیبلیوس کوارتت اوپوس ۵۶ نواهای صمیمی و شخصی را در دوره افسردگی و پریشانی تصنیف کرده است.

سیبلیوس در ۱۹۰۸ از یک غده در کلیه خود در جلوی خود رنج می‌برد که ترسید مبادا به سرطان مبتلا شده است.

در برلین چند متخصص در این زمینه او را سیزده بار مورد عمل جراحی قرار دهند و غده را برداشته‌اند.

سیبلیوس همان‌طور که از بحران در گذر نماند این کوارتت را تصنیف کرد.

دقیقاً می‌توان گفت که چرا سیبلیوس این کوارتت را نوای صمیمی یا شخصی را نامیده است.

سیسل‌گری برایش باور است که علت آن در موومان آهسته آن نهفته است که یکی

از شخصی و خصوصی‌ترین و یا صمیمی‌ترین این آثار اوست که آهنگساز در جست‌وجوی روح خود برآمده است.

در این کوارتت که روح هنری وسیله شکار اوست، این کوارتت چهار موومان دارد:

در آندانتِه - الگرو و مولتومو درانوی آن هشت میزان گنجانده شده است که موسیقی سری و فراگیری را ارائه می‌دهند.

یک ویواس Vivace (نوای پرشور و سرزنده که مواد تماتیک آن به موومان اول آدا جیودی مولتو شباهت دارد و یک الگرو نوای برجسته و یک الگروی هیجانی به کوارتت پایان می‌دهد.

کوارتت شومان در لا مازور

شومان در ۱۸۴۲ به نوشتن کوارتت سازهای زهی همت گماشت. از این رو به مطالعه کوارتتهای هایدن و موتسارت پرداخت و آثاری چون لا مینور فامازور و لا مازور تصنیف کرد. این هر سه کوارتت برای نخستین بار در خانه فردیناند دیوید ویولن‌نواز معروف به اجرا درآمدند.

هایتمان در این باره نوشت: «نخستین کوارتت شومان بسیار مرا خسته کرد». در واقع مرا درباره استعداد او به شگفت آورد. در این اثر محتوا و فرمی غیر عادی دارد. زیرکانه تصنیف شده است.

اگرچه شومان درباره کوارتتهای خود اندیشه‌ای والا داشت، اما نمی‌توان آنها را آثاری بزرگ پنداشت. با این همه، لحظاتی غنی و زیبا با افکاری ماهرانه و احساسی عمیق در آنها وجود دارد.

کوارتت لا ماژور که شومان آن را ظرف چند روز تصنیف کرد، از روش تکنیکی و منحصربه‌فرد سود جسته است. تمهیدی مشخص در استفاده از فواصل در هر چهار موومان این اثر ملموس است.

بر موومان اول استفاده از پنجمین و چهارمین (فواصلی ملودیک یک یا هارمونیک در گام ماژور یا مینور) وجود دارد. فاصله چهارم در دو موومان دوم برجسته است. در حالی که فاصله هفتم به سود موومان سوم ظاهر می‌شود. در فینال، تم اصلی (حالتی شامل پاساژهایی است که با فاصله ششم سقوط می‌کند و قطع می‌گردد).

کوارتت در ر مینور یا کوارتت مرگ و دختر

در این کوارتت چون شوپرت از آوازی به نام مرگ و دختر سود می‌جوید او را دستخوش یک رشته از موومانها کرده است. به علاوه اتمسفر این آواز درباره مرگ که بر سرتاسر کوارتت غالب است و تقریباً حالت مراسم تدفین به آن می‌دهد. گوبت Gobbett درباره تم آغازین موومان اول - که مبارزه‌ای جسورانه است - می‌گوید: «این موومان کشمکش است با مرگ و تقریباً کیفیتی تب‌آلوده در موومان سوم (الگرو مولتو Allegro Molto و پرستویی Presto موومانهای فینال آن احساس می‌شود).

شوپرت در آواز (نگاره راز) قصیده‌ای از گوته که کشمکش با مرگ را به؟ القا می‌کند، الهام گرفته است. هایدن درون‌مایه‌ای آرام در دو موومان نخستین خود دارد.

کوارتت در سل ماژور اوپوس ۶۴ شماره ۴ هایدن شادمانی و نشاط در تمامی آن ملموس و غالب است. موومانهای آهسته و موومانهای اسکرتسو در این کوارتت در کنار هم جای می‌گیرند و موومان دوم یک رقص روستایی اتریشی یا لندر Lander ارائه می‌شود و در موومان سوم آوازی شادی بخش در سه قسمت خودنمایی می‌کند.

کوارتت در ر ماژور اوپوس ۶۴ شماره ۵ هایدن به نام

کوارتت چکاوک (Lark) خوانده شده است، چرا که نهاد نخستین موومان آن خوشدلانه و پرشور است.

کوارتت در ر مینور اوپوس ۷۶ شماره ۲ یکی از هماهنگ‌ترین و یک‌پارچه‌ترین کوارتتهای هایدن به شمار آمده است. تمام موومانهای آن در کلیدی یکسان به اجرا درمی‌آیند و همگی نسبت به هم حالتی روحانی دارند. گاه این کوارتت را کوارتت که از کوین تن Quinten می‌خوانند، چون تم موومان اول آن Fifth (یا خمس) است (فاصله‌ای در ملودی یا هارمونی، پنج مرحله در گام ماژور یا مینور)

در این کوارتت تم دومی وجود ندارد. موومان آهسته آندانتته ا پیو توستو (الگروه تو Andante e Piu tasto allerto) یکی از زیباترین موومانهای هایدن است. موومان مینوئد آن را به خاطر نهاد وهم‌آورش مینوئه جادوگران خوانده‌اند.

کوارتت در دو ماژور اوپوس ۷۶ شماره ۳ به نام کوارتت امپراتور Emperor خوانده شده است، چرا که هایدن سرود ملی اتریش را که در ۱۷۷۷ تصنیف کرده بود، بنا به درخواست امپراتور در آن گنجانده بود.

این ملودی در موومان دوم پوکو آداجیو کانتابیل Poco Adagio Cantabile ظاهر می‌شود و یک رشته وارپاسیونهای ساده آرایش و تزئین به خود می‌گیرد. موومان اول نهاد تلفیقی فوق‌العاده‌ای دارد.

کوارتت در ر ماژور اوپوس ۷۶ شماره ۵ هایدن را گاه کوارتت لارگو (Largo) می‌نامند چون موومان آهسته آن یکی از زیباترین و آسمانی‌ترین نغمات در کوارتت به شمار آمده است. تنها موومان این کوارتت، فینال آن به فرم سونات است.

کوارتت شوپرت

اف بوناویا Bonavia نوشت کوارتت در دستهای شوپرت مدیوم یا واسطه قابل انعطاف برای ایده‌های یک نهاد ملودیک (همچون نخستین موومان لا مینور و یا ایده‌های شدید دراماتیک (همانند آغاز کوارتت سل مینور) شکل می‌گیرد. شاید بایستی این پیوستگی شاد میان مدیوم و ایده را در نهاد لیریک یک موسیقی به حساب آوریم... شوپرت در کوارتتهای خود اساساً از آواز بهره می‌گیرد. تمهای او در بیشتر بخشهای کوارتت به گونه آواز نام گرفته‌اند. تصویر کلی بیشتر تغزلی است تا تراژیک و یا پژوایی. موسیقی آن به گونه‌ای تصنیف شده است که به اندازه کافی دور از احساسات عمیق باشد.

این کوارتت از آرامش ذهن و قلب خبر می‌دهد، مضافاً آنکه نوای آن با صدای طبیعت هماهنگی دارد... در واقع کوارتت در لا مینور اوپوس ۲۹.

اغراق نخواهد بود که بگوییم در قلمرو موسیقی مجلسی هیچ نوایی زیباتر از دو موومان نخستین این کوارتت وجود ندارد.

درباره این کوارتت که در ۱۸۲۴ تصنیف شده است منکن Menken یک بار نوشت موونهای آهسته این کوارتت نشانه و دلیل متقاعدکننده‌ای است بر وجود خداوند. زیبایی این کوارتت به نظر می‌آید آیا شیوایی دنیایی آن نیز از منبع الهی و آسمانی سرچشمه می‌گیرد.

سمرئل لاسیاری S. Laciari کوارتت لا مینور را این‌طور تفسیر می‌کند:

«بسط بخش موومان این کوارتت تا اندازه‌ای به خاطر موضوع اصلی ملودی سر می‌کشد که شوبرت ظاهراً به آن علاقه‌مند بود.»

کوارتت سی بمل مینور در موسیقی روزامونده Rosa-munde و در کوارتت شماره اوپوس ۱۴۲ برای پیانو نیز درخششی ویژه دارد. مینوئه نیز در این کوارتت بیشتر از دو کوارتت دیگر درون مایه خود شوبرت را دارد که یکی از شاعرانه‌ترین و شخصی‌ترین قطعاتی است که تا به حال تصنیف شده است. فینال این کوارتت در سه موومان کوارتت دیگر استادانه عرضه می‌گردد.

کوارتهای هایدن

بنابه تشویق فورنبرگ Fürenberg موسیقیدان آماتور، هایدن در ۱۷۵۰ نخستین کوارتت سازهای زهی خود را تصنیف کرد. فرم این کوارتت آن چنان او را شیفته و فریفته کرد که در چند ماه بعد کوارتت پس از کوارتتی دیگر پدید آورد.

برخی بر این باورند که کوارتت سازهای زهی با گریگور الگری G. Allegri آهنگساز ایتالیایی (۱۶۵۲ - ۱۵۸۲) زاده شده است. اما این کورلی Corelli آهنگساز ایتالیایی (۱۷۱۳ - ۱۶۵۳) بود که برای نخستین بار به سبکی در موسیقی مجلسی سوناتهای ارکستری خود تمیز داد.

کورلی به موسیقیدانان آن زمان گفت که چگونه تلفیق موثر کوچکی میان سازهای زهی پدید آورند. با بوجینی و دیترز دورف و دیتز سدورف آهنگساز اتریشی فرم کوارتت به زودی گسترش یافت و آماده گشت تا با دست استادی چون هایدن متبلور و شکل گرفت.

هشتاد و سه کوارتت اولیه هایدن آشکارا از آثار بوجرینی شکل گرفت. چهار ساز زهی بودند که معمولاً پنج موومان دارند. دو موومان آنها مینوئه Minuet اند که هر موومان بافت و تار و پودی گذرا دارد.

هایدن تقریباً ۴۰ کوارتت تصنیف کرد که ۴ موومان داشتند و ساختار و ایده‌های او را ارائه دادند.

هایدن با ۶ کوارتت در گروه اوپوس ۲۰ (۱۷۷۲) راه خود را در این راستا تغییر داد.

گوبت Gobbett نوشت هر ۶ کوارتت اوپوس ۲۰ از جهت تاریخ و زیباشناسی قابل توجه‌اند و اگرچه هنوز هایدن برای دسترسی به این نوع موسیقی می‌بایستی راه درازی را

طی کند، اما تصنیف در موسیقی ارکستری کوارتت هنوز کسی را نشناخته بود. و بعد فرانس بلینگر Franz Bellinger موسیقی‌شناس گفت: «هایدن اشکال و طرحهای کوارتتهای خود را اگرچه تا اندازه‌ای احتمالاً به گوش شنوندگان مدرن ابتدایی به نظر می‌آیند، اما با ایده‌هایی دلپذیر و جذاب درآمیخته‌اند. درواقع او در تصنیف کوارتت دریافت که هر بخش ویژه و انفرادی آن باید با تک‌نوازنده ارائه گردد. هر بخش باید نقش خود را طبق ظرفیت و توانایی ساز ارایه دهد.»

کوارتهای موتسارت

کوارتت در سل مینور K. ۴۷۸ و کوارتت در می ماژور K. ۴۹۳ موتسارت.

موتسارت دو کوارتت برای پیانو، ویولن، ویولا و ویولنسل تصنیف کرد که نخستین کوارتت در سل مینور و دومین آن یک سال بعد پدید آمد.

اریک بلوم Eric Blom درباره کوارتت سل مینور نوشت: «... اثری بزرگ و ارزشمند که می‌تواند پس از سنفنی و کوپنتت سازهای زهی با همان کلید جای خود را باز کند.

در موومان اول آن تراکم و غلظتی پُرشور از یک اثر تماتیک و همین‌طور از یک اصالت، خلاقیت، نوآوری آشکار در ابداع و سلوکی که شنونده را بی‌درنگ تحت تأثیر گذارد و او را خسته نمی‌کند، ملموس است... موومان آهسته این کوارتت را با موسیقی سی بمل ماژور ظرافت و زیبایی و جذاب‌ای برای عروسی فیگارو (Figare) را در یاد آدمی می‌آورد.

درواقع این کوارتت یک روند Rondo است که شنونده را به این فکر وامی‌دارد که کدام یک از ملودیهایی آن دلپذیر است و آدمی را لیریز از احساس می‌کند. اما موتتهای سازهای زهی موتسارت: موتسارت نخستین کوارتهای زهی خود را در ۷۷۰ در سل ماژور K. ۸۰ و شش کوارتت سازهای زهی بعدی خود را در ۱۷۷۲ تصنیف کرد و شش کوارتت دیگر را در ۱۷۷۳ پیش از آنکه قدرت خلاقه خود را نشان دهد کوارتت سازهای زهی را تصنیف کرد.

کوارتهای هایدن

پس از ۱۷۷۰ وقتی موتسارت پسرکی بود و میان‌سالگی خود را می‌گذرانید، بر آن شد تا با الهام از کوارتهای استادان و چند کوارتت تصنیف کند، موتسارت جوان با الهام از هایدن فرم کاملی در نوشتن کوارتت ارائه داد که در آن زیبایی، شفافیت حاکم بود. غنایی که او در فرم و ایده کوارتهای خود پدید آورد و مورد توجه هایدن قرار گرفت که استادش را واداشت تا از لحاظ سبک تغییراتی در تصنیف کوارتت از خود نشان بدهد به گونه‌ای در کوارتهای او این سبک درخشش پیدا کرد. این کوارتهای روسی خود

موتسارت را واداشت تا شش کوارتت بعدی خود را بنویسد و آنها را به هایدن اهدا کند. در این کوارتتها موتسارت از تدبیر، ابتکار و تفکرات رفیع در تکنیک سود جست و به آثار خود در این زمینه درخششی ویژه بخشید.

بار دیگر هایدن تحت تأثیر این کوارتتها قرار گرفت و کوارتتهایی که پس از ۱۷۸۴ تصنیف کرد، به خوبی مفهوم داشت که کوارتتهای موتسارت بر او تأثیر نهاده است.

در این راستا موتسارت شش کوارتت بین سالهای ۱۷۸۲ و ۱۷۸۵ نوشت که آنها را به هایدن اهدا کرد. کوارتت در سل ماژور (K - ۳۸۷) کوارتت در ر مینور (K - ۴۲۱) کوارتت در سی بمل ماژور (K - ۴۶۴) و کوارتت در دو ماژور (K - ۴۶۵) از آن جمله‌اند. در خانه موتسارت در شولتراس وین بود که این کوارتتها برای نخستین بار به اجرا درآمدند و غیر از تماشاگران هایدن و لئوپولد پدر موتسارت هم حضور داشتند که از سالزبورگ آمده بودند.

چهار موسیقیدان که این کوارتتها را اجرا کردند، هایدن و کارل فن دیترسدورف و یولن، موتسارت و یوله و وانهایل Wanhal و یولنسل می‌نواختند.

می‌گویند هایدن به لئوپولد موتسارت گفت: «به شما می‌گویم که پسران در نظر من چه از لحاظ شخصیت و چه از لحاظ نام بزرگ‌ترین آهنگساز است. او ذوق سرشاری دارد و بیش از آن از دانش عمیقی برخوردار است.» و این هنگامی بود که موتسارت هنوز به سی سالگی نرسیده بود.

موتسارت در این شش کوارتت جدیدی که به هایدن اهدا کرد، همان‌طور که تی دانبیل T. Dunbill نوشت: «موتسارت مرحله تجربه را در تصنیف کوارتت گذرانده بود و در این راستا سبکی پدید آورده بود که در نظر تمامی دنیای موسیقی آثاری شناخته‌شده می‌نمود. استادی او را در این زمینه نمی‌توان کتمان کرد. در این کوارتتها هر بخشی در آنها در طرح اهمیتی یکسان دارد، و سازها آن چنان راحت و آزاد به نوا درمی‌آیند که هیچ آهنگساز دیگری در تصنیف کوارتت به این درجه و پایه نخواهد رسید.

شاید کوارتت دو ماژور (K - ۴۶۵) را از معروف‌ترین این کوارتتها دانست که از کوارتت سی بمل ماژور K - ۴۵۸ شهرت بیشتری داشته باشد.

کوارتت سی بمل ماژور K - ۴۲۸ را گاه کوارتت شکار

می‌نامند، آخر به خاطر آنکه تم آغازین موومان اول آن به نوا ی شیپور شکار می‌ماند.

کوارتت دو ماژور K - ۴۶۵

بی‌شک یکی از معروف‌ترین

کوارتتهای موتسارت است که

به آن نام دیسوننت Dissonent

(ناهمخوان) داده‌اند، چرا که موومان

آن با گام کروماتیک Chromatic

(نیم‌پرده) عجیب و تونالیتیه مبهمی آغاز

می‌شود.

این پاساژ اثر فوق‌العاده مدرنی را ارائه می‌دهد که حالتی غیر قراردادی آن برای قرن ۱۹ شگفت‌آور است. با این همه هایدن مرد آزادمش و بردباری بود که گفت: «اگر موتسارت در تصنیف این کوارتت چنین خواسته است، باید دلیل خوب و قانع‌کننده‌ای هم برای آن داشته باشد.»

کوارتت در ر ماژور K - ۵۷۵، کوارتت در سی بمل ماژور (K - ۵۸۹) و کوارتت در فا ماژور (K - ۵۹۰)

در ۱۷۸۹ سه سال پس از آنکه موتسارت تصمیم به تصنیف کوارتت گرفت، فردریک ویلهلم دوم پادشاه پروس که خود در نواختن ویولنسل آماتور برجسته‌ای بود، موتسارت را واداشت تا چند کوارتت برای سازهای زهی بنویسد تا مورد استفاده‌اش قرار گیرد.

موتسارت که در این زمان سخت به پول نیاز داشت این پیشنهاد ویلهلم را اجابت کرد. سه کوارتتی که موتسارت برای ویلهلم تصنیف کرد به دو جهت بود: یکی آنکه ویلهلم حامی او به شمار می‌آمد. دوم آنکه ویلهلم نوازنده ویولنسل بود و موتسارت بر نوازندگی ویولنسل او در این کوارتت صحنه گذاشت.

نخستین کوارتت در ر ماژور عنوان کوارتت «ویولنسل» را به خود گرفت چرا که نوازندگی ویولنسل در آن درخشش پیدا کرد. وانگهی موتسارت می‌خواست از کوارتتهای هایدن و کوارتتهای اولیه‌اش که از ملایمت، نرمی و جذابیت بهره‌مند بودند حامی خود را شادمان کند.

دانهیل می‌گوید: «گروه پادشاه پروس درون‌مایه‌ای داشت که آن را در سبک از سایر کوارتتهای موتسارت متمایز کند. این کوارتت اثری خوشبینانه است که نتی از شوق و شور در موومانهایش درخشش پیدا می‌کند، اما هرگز قلیمان را با احساسی عمیق که از کوارتتهای اهداشده به هایدن نشئت می‌گیرد، لمس نمی‌کند.

این کوارتتها بین سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۰ تصنیف شده‌اند که آخرین آثار موتسارت در این زمینه به شمار می‌آیند. در شماره بعد کوارتتهای بتهوون، بلوک، راسورفسکی برامس و ویلالابوس.